

آشنایی با مهدویت

درمدارس

براهم توبی

نیستی رو چشمه نسی از خوشی با توی زرم

خواهد آمد ای دل دیوانه ام
اوکه نامش با لباتم آشناست

من گل نرگس برایش چیده ام
خواهد آمد باورم کن با وفاست

مقدمه:

از دیدگاه شیعه، ظهور منجی از جمله تغییرات اجتماعی است که سرچشمه ای الهی دارد و انقلاب مهدی موعود(عجّ الله تعالی فرجه) از نظر اجرا همانند همه انقلابها به زمینه های عینی و خارجی بستگی دارد و بایستی فضای مناسب موجود باشد.

خداوند، توانایی دارد همه مشکلات و همه سختیها را هموار و بوسیله اعجاز فضای مناسب ایجاد کند، ولی این روش را انتخاب نکرده است؛ زیرا امتحان و ابتلا و رنجی که مایه تکامل انسان می شود در صورتی تحقق می یابد که تحولات، طبیعی و مطابق با شرایط خارجی باشد.

امام باقر می فرماید:

«إذا اجتمع للإمام عدّه أهل بدر ثلاثمائه و ثلاثه عشر و جب علیه القيام و التغيير.»

بنابراین مهمترین رکن در زمینه سازی ظهور و تغییر جامعه به سمت آمادگی برای حضور حجت خدا، توجه به عوامل فرهنگی و اهتمام به رشد، توسعه و ارتقای شخصیت انسانها و پرورش کمالات انسانی است که در پرتو گزینش ایده آل برتر از راه تعلیم و تربیت امکان پذیر است.

شهید صدر می نویسد:

«همه می دانند که حضرت مهدی کارش محدود به یک منطقه و یک بخش از جهان است و بایستی همه بشریت را از تاریکی ستم به روشنایی عدل، رهنمون گردد. برای اجرای چنین تحول بزرگی تنها وجود رهبر صالح کافی نیست و گرنه در همان زمان پیامبر این شرط وجود داشت. پس این تحول بزرگ، فضای مناسب جهانی می طلبد که همه زمینه های خارجی لازم برای انقلاب عمومی در آن وجود داشته باشد.»

رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلّم) در بیان علائم آخر الزمان از گروه هایی خبر داده است که خود را از قبل برای قیام حضرت مهدی آماده ساخته اند

ایشان می فرماید:

«مردمی از مشرق زمین قیام می کنند و زمینه را برای قیام مهدی(عجّ الله تعالی فرجه) فراهم می سازند.»

بدون شک آموزش مباحث مهدوی و تربیت مبتنی بر مقوله انتظار و مهدویت یکی از بایسته های نظام جمهوری اسلامی ایران است.

رویکرد آموزش و پرورش به مقوله مهدویت

در طول ۴۶ سال از حکومت جمهوری اسلامی ایران راهی را که مراکز آموزش ما پیموده اند طبق این رویکرد بوده است که آموزه مهدویت و انتظار همچون سایر مباحث دینی در مدارس با اختصاص چند درس از متون، آموزش داده شود.

با اینکه در نظام آموزشی جمهوری اسلامی، براساس اعتقادات اسلامی ملت و قوانین و لوایح موجود (مصوب شورای عالی آموزش و پرورش)، اولویت و جهت‌گیری کلی تمام برنامه‌ها و فعالیت‌ها، تقویت ارزش‌های الهی و معنوی در دانش‌آموزان می‌باشد.

در اصل چهارم از اصول حاکم بر نظام آموزش و پرورش آمده است:

«در آموزش و پرورش نه تنها تعلیمات دینی خاص، بلکه همه برنامه‌ها و آموزش‌ها باید به عنوان اجزای یک مجموعه هماهنگ اسلامی، برحسب اقتضاء و گنجایش، جنبه و جهت دینی داشته باشد. برنامه‌ریزان و معلمان باید در همه برنامه‌ها و فعالیت‌ها، بنا بر مقتضیات خاص هر موضوع، به جنبه‌های الهی و تقویت بینش دانش‌آموزان توجه کنند» فقط در برخی از متون درسی فصل‌هایی را به تبیین آموزه مهدویت اختصاص داده شده است و معلم نیز همچون سایر دروس به توضیح آنچه در کتاب آمده است اشتغال داشته و دانش‌آموز نیز موظف بوده در پایان سال از آنها امتحان پس دهد.

آسیب شناسی این رویکرد از چند جهت قابل طرح است:

به لحاظ کیفیت محتوای دروس؛ کمیت مطالب، نحوه پردازش و نگارش، چگونگی تدریس معلمان و میزان تأثیر پذیری دانش‌آموزان.

تحلیل وضع موجود و آسیب شناسی دقیق، نیازمند تعیین شاخص‌های عملکردی در حیطه‌ی تربیت مهدوی و پژوهش‌های آماری است. متأسفانه پژوهش‌های آماری چندانی

در باب اعتقاد به مهدویت وجود ندارد. اما با توجه به برخی از کارکردهای تربیتی آموزه مهدویت و انتظار و میزان تأثیر پذیری دانش آموزان از آن می توان گفت:

یکی از شاخصه هایی که می تواند نمایانگر سلامت یا بیمار بودن اندیشه جامعه نسبت به مهدویت باشد، **مسئله اهتمام جدی افراد در انجام تکالیف و وظایفی است** که یک فرد منتظر نسبت به امام زمان (عجّ الله تعالی فرجه) دارد. با چشم پوشی از کمیت مطالب ارائه شده در دروس مدارس و پیامد ناچیز بودن اطلاعات و ضعف معرفت دانش آموزان از آموزه مهدویت و انتظار، نظام آموزشی در ساحت تربیت دینی و اخلاقی چندان موفق نبوده است و تأثیر پذیری دانش آموزان در رفتارهای فردی و اجتماعی از معارف دینی و مباحث ارائه شده در مدارس بسیار ناچیز و حتی منفی بوده است.

بحث

سلام بر مهدی(ع)، خورشید جان ها و امید انسان ها. مهدی(ع)، یادگار پیامبران، خلاصه ابراهیم، عصاره محمد، احیا و زنده کننده سنت هاست. نیمه شعبان، مطلع خورشید فروزان مهدی(ع) در ظلمت تاریخ است. پیروان قائم آل محمد(ع) همچون او اهل قیام و انقلابند.

مهدی(عج)، کعبه مقصود و قبله موعود امت هاست. غیبت کبرا، دوره آزمایش منتظران راستین حضرت مهدی(ع) است. وقتی نیمه شعبان می رسد، گلوآژه های «انتظار»، «ظهور»، «فرج»، «حکومت جهانی»، «قسط و عدل»، «دیدار» و «مهدی» می شکند. نیمه شعبان، عید منتظران وراثت زمین برای مستضعفان و شکست سلطه های جباران است. نیمه شعبان، افروختن چراغ شوق در دل شیعیان و امید بخشیدن به محرومان است.

خورشید نیمه شعبان

آخرین وصی پیامبر خدا(ص)، دوازدهمین امام شیعه و چهاردهمین معصوم از خاندان رسالت، حضرت مهدی(ع) در سپیده دم نیمه شعبان سال 255 هجری در شهر سامرا

دیده به جهان گشود. با تولد او انتظار تحقق مژده ای که پیامبر خدا(ص) و امامان(ع) از دو قرن پیشتر داده بودند سر آمد و گام او زمین را برکت بخشید.

نام آن حضرت، نام پیامبر(ص) و کنیه او کنیه رسول خداست. (محمد، ابوالقاسم) توصیه شده است که در عصر غیبت، از او به نامش یاد نشود، بلکه با القاب متعددی که دارد، مثل مهدی، منتظر، حجت، صاحب امر، صاحب الزمان، بقیة الله، قائم، خلف صالح و ... نام برده شود.

پدرش امام عسگری(ع) و مادرش نرجس است که نام اصلی وی ملیکه، دختر یشوعا فرزند قیصر روم بود. وجود آن امام، مشخصات وی، مژده ظهورش، ویژگی اصحابش و چگونگی حکومتش، در روایات بسیار آمده است و طبق روایات عقیده به او مخصوص به شیعه نیست، بلکه روایات بسیار در کتاب های اهل سنت نیز درباره او نقل شده است.

زمینه های غیبت

از آنجا که حکومت های ستمگر، طبق وعده روایات، زوال قدرت خود را در حکومت این مولود خجسته می دیدند و می دانستند که از نسل امام عسگری(ع) خواهد بود، پیوسته آن حضرت را زیر نظر داشتند، امام یازدهم نیز تولد این فرزند را از مردم کتمان می کرد تا دستگاه خلافت به وجود او پی نبرد.

البته در همان دوران کودکی، برای آنکه شیعیان نسبت به پیشوای خود و امام بعدی بی خبر و حیران نباشند، امام زمان(ع) توسط پدر ارجمندش به برخی اصحاب خالص و مطمئن نشان داده می شد، تا حجت خدا را بشناسند و بعدا دچار گمراهی نشوند.

امام زمان(ع) پنج ساله بود که پدرش امام عسگری(ع) به شهادت رسید. حضرت بر جنازه مطهر پدر نماز خواند و چون مأموران از وجود او با خبر شدند، در تعقیب او به منزل امام هجوم آوردند. ولی حضرت در یکی از سرداب های خانه از چشم ها ناپدید

شد و هر چه گشتند، او را نیافتند. بدین گونه رابطه آشکار مردم با حضرت مهدی(ع) قطع شد و دوران غیبت فرارسید.

غیبت صغری و کبری

امام عصر(ع) از آن زمان تا سال 329 هجری، به مدت 69 سال (که دوره غیبت صغری نامیده می شود) از طریق چهار نماینده خاص، با مردم رابطه داشت و نامه ها، نیازها و سؤال های آنان از طریق این نواب خاص به حضرت می رسید و پاسخ آن دریافت می شد، به نامه های آن حضرت «توقیعات» گفته می شد.

نایب های ویژه او که در چهار نسل پیاپی واسطه میان امام و امت بودند، عبارتند از **عثمان بن سعید، محمد بن عثمان، حسین بن روح و علی بن محمد سیمری.**

با مرگ چهارمین سفیر خاص امام در سال 329 دوران غیبت کبری آغاز شد که تاکنون ادامه دارد و جانشینان حضرت، فقهای عادل و واجد شرایط در هر زمان اند.

حضرت مهدی(ع) هم اکنون از دیده ها پنهان است و ما در عصر غیبت بسر می بریم و از دیدن جمالش محرومیم.

البته در این دوازده قرنی که از عمر آن حضرت می گذرد، اشخاص متعددی به خاطر صلاحیت و تقوا و عمل صالح، توفیق دیدار او را داشته اند.

شوق دیدار او در همه دل ها وجود دارد و شیعیان، در انتظار پایان دوره غیبت و فرارسیدن «عصر ظهور»ند، تا به یاری او بشتابند. امام عصر(ع) هم اکنون زنده است و از آنچه در جهان و میان مسلمانان می گذرد با خبر است، هر چند دیده نمی شود و کسی از جای او و زمان ظهورش آگاه نیست. دیدار چهره او به سختی میسر است، آن هم برای انسان های صالح و پاک، در صورتی که حضرت مهدی(ع) صلاح بدانند.

عصر حضور

عمر طولانی او از معجزات الهی است و تاکنون بیش از یازده قرن از میلاد او می‌گذرد. وقتی ظهور کند، در چهره و نیروی یک مرد چهل ساله خواهد بود.

در عصر غیبت، جهان از وجود او بهره می‌برد، آن سان که از خورشید پشت ابر بهره مند می‌شود. او حجت خدا در عصر غیبت است و هرگز زمین خالی از حجت نخواهد بود.

ظهور او شرایطی دارد که وقتی فراهم باشد و خداوند اذن دهد، آن حضرت در روز جمعه ای در مکه و کنار خانه خدا ظهور می‌کند و تعداد 313 نفر از یاران خاص او از سراسر جهان به سرعت خود را به او می‌رسانند و با او بیعت می‌کنند و قیام جهانی او آغاز می‌شود.

امام زمان(ع) ذخیره الهی برای گسترش قسط و عدالت در سراسر جهان است. وقتی آن حضرت ظهور کند، امنیت، عدالت، رونق اقتصادی، وفور نعمت های الهی در زمین، صلح و صفا و برادری و مساوات در سطح جهان برقرار خواهد شد.

نصرت الهی پشتیبان اوست و جهان مسخر فرمان او می‌گردد. به دست او و با یاری پروردگار، «حکومت واحد جهانی» تشکیل می‌شود و قانون خدا و احکام خدا به نحو کامل در همه جای گیتی اجرا و حاکم خواهد گشت و قدرت های ستم نابود خواهد شد. عقیده به مهدویت و وجود یک نجات بخش در پایان عمر جهان، نه تنها در اسلام، بلکه در ادیان آسمانی دیگر هم مطرح است و همه فرقه ها به نحوی به یک «موعود» و منجی عقیده دارند و در انتظار یک مصلح جهانی بسر می‌برند. همین عقیده سبب شده که در طول تاریخ بارها از سوی دروغگویانی ادعای مهدویت یا واسطه بودن بین امام و

و مردم اظهار شود و از این راه، فرقه های انحرافی و مسلک های ساختگی پدید آید. فرقه بهائیت و قادیانی گری دو نمونه از این گروه های منحرف است.

برای زمان ظهور حضرت، نشانه هایی در روایات بیان شده که به «علائم ظهور» مشهور است و بروز آن نشانه ها، نشانه نزدیکی عصر ظهور است. فراگیری ظلم و جور در سطح جهان، پیدایش جنگ ها و فتنه ها و آشوب های ویرانگر، ناامنی در همه جا، رواج فساد و گناه در جوامع، گرانی و نابسامانی اوضاع اقتصادی و برخی حادثه های شگفت و بی سابقه از آن جمله است.

حکومت مهدوی:

وقتی امام زمان (ع) ظهور کند، از مکه به سوی مدینه، سپس به سوی عراق و کوفه حرکت می کند. عیسیای مسیح از آسمان فرود آمده، به او اقتدا می کند و خداوند زمینه های قدرت و حاکمیت او را بر جهان فراهم می آورد و با یاری و نصرت ویژه، امدادش می کند. آن حضرت، دولت کریمه و الهی بر اساس قسط و عدل تشکیل می دهد. مرکز حکومتش کوفه خواهد بود. اما سپاه او سراسر جهان را فتح خواهد کرد. در شام و فلسطین و مناطق دیگر، نبردهای خونینی بین یاران او و پیروان طاغوت ها پیش خواهد آمد. سرانجام، پیروزی نهایی از آن اوست.

زمین گنجینه های خود را برای امام آشکار می سازد. امنیت همه جا حاکم می شود، ویرانی ها آباد و ستمگران نابود و مؤمنان عزیز می شوند. آن حضرت چند سال (هفت یا هفتاد سال) حکومت جهانی خواهد داشت، سپس به شهادت می رسد و حکومت عدل او با بازگشت دوباره امامان معصوم ادامه می یابد.

سپس عمر جهان به پایان رسیده، مقدمات قیامت فراهم می گردد. در عصر غیبت، شیعیان وظیفه دارند که با «انتظار فرج»، زمینه ساز حکومت جهانی او شوند و از پیشگاه خدا، آمدن او را طلب کنند.

انتظار فرج که از برترین عبادت ها به شمار آمده، همراه با اصلاح خود و جامعه و مبارزه با ستم و فساد و فراهم ساختن شرایط متناسب با «دولت کریمه» امام زمان(ع) است. و ... منتظر «مصلح»، باید خودش هم «صالح» باشد و در «اصلاح» مفاسد بکوشد.

نتیجه گیری:

براساس نتیجه بسیاری از تحقیقات، در عملکرد دینی و اخلاقی، هیچ برتری و تفرقی را در گروه تحصیل کرده نسبت به گروه با تحصیلات پایین تر یا بی سواد نشان نمی دهد. حتی در برخی از موارد، عملکرد پایین تری را نشان می دهد. به بیان دیگر، حداقل می توان پذیرفت که عملکرد نظام آموزشی در ساحت تربیت دینی و اخلاقی نقطه قوت برجسته ای ندارد و شاید بتوان نتیجه گرفت که عملکرد آن ضعیف یا نسبتاً ضعیف است.